





دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی الهیات
گرایش علوم قرآن و حدیث

عنوان پایان نامه

اسلوب تأکید در پنج جزء آخر قرآن

استاد راهنما:

دکتر مجتبی بیگلری

استاد مشاور:

دکتر مجید محمدی

نگارش:

سمیه یوسفی

خرداد ۱۳۹۳

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.

« رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ » -

ای پروردگار من، به من پیاموز تا شکر نعمتی که پر من و پر
پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم... (احقاف/آیه ۱۵)

تقدیم به

پدر و مادر بزرگوارم؛ به پاس تمام خوبی‌هایشان

شکر و سپاس

سپاس خدایی را سزااست که ما را آفرید و به راه علم و معرفت راهنمون ساخت. اکنون که به لطف پروردگار توانسته‌ام از خوانگسترده علم، خوشه کوچکی بردارم بر خود واجب می‌دانم سپاس گذار و قدردان تمام عزیزانی باشم که همواره راهنمای راهم در این زمینه بوده‌اند؛

از خانواده عزیزم بویژه پدر و مادر بزرگوارم

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر بیگلری که در طی این چند سال، همواره معلم‌پنده در عرصه علم و زندگی بوده‌اند و بسیار دقیق و دلسوزانه مرا در تمام پیمان نامه‌یاری نمودند و همچنین از راهنمایی‌های بی‌دین و پیکیر جناب آقای دکتر محمدی بی‌نیایت سپاسگزارم و از درگاه پروردگار متعال موفقیت روزافزون این بزرگواران را خواستارم.

از جناب آقای دکتر فرزند وحی و جناب حجت‌الاسلام دکتر غلامی که قبول زحمت نموده و داوری این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند نیز کمال شکر را دارم.

چکیده

زبان مهم ترین ابزار ارتباط میان انسان ها برای بیان مفاهیم ذهنی آن هاست. هر زبان و گویشی اسلوب های خاصی دارد که متکلم با به کارگیری آن می تواند با کلام خود بر روح و جان مخاطب تاثیر بگذارد. از جمله آن زبان ها، زبان قرآن (زبان عربی) و از جمله آن اسلوب ها، اسلوب تاکید است. قرآن اسلوب های تاکیدی فراوانی را در خود جای داده است. اسالیب تاکیدی قرآن دارای شیوه ها، شاخه ها و مسائل گوناگونی است و می توان از دیدگاه هایی چند به این موضوع پرداخت. تاکید از مسائل بنیادی علوم بلاغت است و آن چه ما در این نوشتار در زمینه تاکید مورد بررسی قرار می دهیم فراتر از تاکید مصطلح در علم صرف و نحو است و بیشتر در گستره علوم بلاغی قرار می گیرد. این تحقیق در صدد آن است که به استناد آیات قرآنی (در پنج جزء آخر) به توضیح و تبیین بعضی از وجوه تاکید پردازد که در مجموع در ذیل تقسیم بندی تاکید با اطناب، تاکید با تکرار، و تاکید با روش های بلاغی مورد بررسی قرار می گیرد.

کلید واژه ها: اسلوب تاکید، بلاغت قرآن، تاکید در قرآن، زبان قرآن

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات	
۱-۱-۱- مقدمه.....	۲
۲-۱-۲- تعریف مسئله.....	۳
۳-۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۴
۴-۱-۴- اهداف تحقیق.....	۴
۵-۱-۵- فرضیه ها.....	۴
۶-۱-۶- پیشینه تحقیق.....	۴
۷-۱-۷- روش تحقیق.....	۵
۸-۱-۸- تعریف اسلوب.....	۵
۹-۱-۹- تعریف تأکید.....	۵
۱۰-۱-۱۰- تأکید در ادبیات عرب.....	۶
۱-۱۰-۱- تأکید در علم بلاغت.....	۶
۱-۱-۱۰-۱- تأکید در علم بیان.....	۶
۱-۱-۱-۱۰-۱- تشبیه.....	۶
۲-۱-۱-۱۰-۱- استعاره.....	۷
۳-۱-۱-۱۰-۱- کنایه.....	۷
۲-۱۰-۱-۲- تأکید در علم بدیع.....	۷
۱-۲-۱۰-۱- تأکید مدح شبیه به ذم.....	۸
۲-۲-۱۰-۱- تأکید ذم شبیه به مدح.....	۸
۳-۱۰-۱-۳- تأکید در علم معانی.....	۸
۱۱-۱-۱۱- اسباب و اغراض تأکید.....	۹
۱۲-۱-۱۲- تأکید و ارتباط آن با اعجاز قرآن.....	۱۰
فصل دوم: مفاهیم نظری	
۱-۲-۱-۱- اطناب.....	۱۴
۱-۱-۲- اقسام اطناب.....	۱۴
۱-۱-۱-۲- اطناب بسط.....	۱۵
۲-۱-۱-۲- اطناب زیادت.....	۱۵
۱-۲-۱-۱-۲- اطناب به وسیله حروف تأکید.....	۱۵
۱-۱-۲-۱-۱-۲- اطناب به وسیله حروف «إِنَّ» و «أَنَّ».....	۱۵
۲-۱-۲-۱-۱-۲- لام ججود.....	۱۶
۳-۱-۲-۱-۱-۲- لام قسم.....	۱۶
۴-۱-۲-۱-۱-۲- لام ابتدا.....	۱۶
۵-۱-۲-۱-۱-۲- لای نفی جنس.....	۱۷

- ۳۶.....سوره ذاریات (سی آیه اول).....۱-۳-۶
- ۳۸.....اسلوب تأکید در آیات جزء بیست و هفتم.....۲-۳-۲
- ۳۸.....سوره ذاریات (سی آیه دوم).....۱-۲-۳
- ۳۹.....سوره طور.....۲-۲-۳
- ۴۱.....سوره نجم.....۳-۲-۳
- ۴۴.....سوره قمر.....۴-۲-۳
- ۴۵.....سوره رحمان.....۵-۲-۳
- ۴۶.....سوره واقعه.....۶-۲-۳
- ۴۸.....سوره حدید.....۷-۲-۳
- ۵۰.....اسلوب تأکید در آیات جزء بیست و هشتم.....۳-۳-۳
- ۵۰.....سوره مجادله.....۱-۳-۳
- ۵۲.....سوره حشر.....۲-۳-۳
- ۵۳.....سوره ممتحنه.....۳-۳-۳
- ۵۵.....سوره صف.....۴-۳-۳
- ۵۶.....سوره جمعه.....۵-۳-۳
- ۵۷.....سوره منافقون.....۶-۳-۳
- ۵۹.....سوره تغابن.....۷-۳-۳
- ۶۱.....سوره طلاق.....۸-۳-۳
- ۶۳.....سوره تحریم.....۹-۳-۳
- ۶۴.....اسلوب تأکید در آیات جزء بیست و نهم.....۴-۳-۴
- ۶۴.....سوره ملک.....۱-۴-۳
- ۶۶.....سوره قلم.....۲-۴-۳
- ۶۷.....سوره الحاقه.....۳-۴-۳
- ۶۹.....سوره معارج.....۴-۴-۳
- ۷۰.....سوره نوح.....۵-۴-۳
- ۷۲.....سوره جن.....۶-۴-۳
- ۷۳.....سوره مزمل.....۷-۴-۳
- ۷۵.....سوره مدثر.....۸-۴-۳
- ۷۷.....سوره قیامت.....۹-۴-۳
- ۷۷.....سوره انسان.....۱۰-۴-۳
- ۷۹.....سوره مرسلات.....۱۱-۴-۳
- ۸۰.....اسلوب تأکید در آیات جزء سی ام.....۵-۳-۵
- ۸۰.....سوره نبأ.....۱-۵-۳
- ۸۲.....سوره نازعات.....۲-۵-۳
- ۸۴.....سوره عبس.....۳-۵-۳
- ۸۵.....سوره تکویر.....۴-۵-۳

۸۶.....	سوره انفطار.....۵-۵-۳
۸۷.....	سوره مطفین.....۶-۵-۳
۸۸.....	سوره انشقاق.....۷-۵-۳
۸۹.....	سوره بروج.....۸-۵-۳
۹۰.....	سوره طارق.....۹-۵-۳
۹۱.....	سوره اعلی.....۱۰-۵-۳
۹۱.....	سوره غاشیه.....۱۱-۵-۳
۹۲.....	سوره فجر.....۱۲-۵-۳
۹۳.....	سوره بلد.....۱۳-۵-۳
۹۴.....	سوره شمس.....۱۴-۵-۳
۹۵.....	سوره لیل.....۱۵-۵-۳
۹۵.....	سوره ضحی.....۱۶-۵-۳
۹۵.....	سوره انشراح.....۱۷-۵-۳
۹۷.....	سوره تین.....۱۸-۵-۳
۹۷.....	سوره علق.....۱۹-۵-۳
۹۸.....	سوره قدر.....۲۰-۵-۳
۹۹.....	سوره بینه.....۲۱-۵-۳
۱۰۰.....	سوره زلزال.....۲۲-۵-۳
۱۰۱.....	سوره عادیات.....۲۳-۵-۳
۱۰۲.....	سوره قارعه.....۲۴-۵-۳
۱۰۳.....	سوره تکاثر.....۲۵-۵-۳
۱۰۴.....	سوره عصر.....۲۶-۵-۳
۱۰۴.....	سوره همزه.....۲۷-۵-۳
۱۰۵.....	سوره فیل.....۲۸-۵-۳
۱۰۶.....	سوره قریش.....۲۹-۵-۳
۱۰۶.....	سوره ماعون.....۳۰-۵-۳
۱۰۷.....	سوره کوثر.....۳۱-۵-۳
۱۰۸.....	سوره کافرون.....۳۲-۵-۳
۱۰۸.....	سوره نصر.....۳۳-۵-۳
۱۰۹.....	سوره مسد.....۳۴-۵-۳
۱۰۹.....	سوره اخلاص.....۳۵-۵-۳
۱۱۰.....	سوره فلق.....۳۶-۵-۳
۱۱۱.....	سوره ناس.....۳۷-۵-۳
۱۱۲.....	خاتمه و نتیجه گیری.....
۱۱۳.....	نمودار.....
۱۱۵.....	منابع.....

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

تأکید در قرآن از دیرباز توجه ی ادیبان و به خصوص مفسران قرآن کریم را به خودجلب کرده است چرا که فهم صحیح آیات الهی و تفسیر و تاویل دقیق آن ها در درجه ی اول در گرو شناخت دلالت معنایی و تعبیری کلمات است به دیگر سخن، اسباب شکوفایی چنین مباحثی در زبان عربی به برکت کتاب حق تعالی فراهم آمده است این در حالی است که تا چند دهه ی اخیر در زبان عربی کتابی مستقل که به مباحث تأکید در قرآن پردازد، به رشته تحریر درنیامده و آن چه به طور پراکنده در این زمینه در کتب لغت، بلاغت و دستور زبان (نحو) و غیر آنها یافت می شود در مقایسه با سایر مباحث مطرح شده در زبان عربی بسیار اندک است.

با این حال پژوهشی تطبیقی در زمینه ی اسلوب تأکید در قرآن، گامی موثر در زمینه ی شناخت آیات قرآنی از منظر تأکید خواهد بود ضمن آن که این امکان را برای زبان آموزان و مترجمان و همچنین مفسران قرآن فراهم می سازد تا با شناخت اسلوب های تأکید استفاده شده در هر آیه بتوانند با توجه به سیاق سخن، معادلی مناسب از نظر معنا برای آیاتی که اسلوب تأکید در آن ها به کار گرفته شده، برگزینند.

تأکید را می توان در تمام ابعاد زندگی انسان و در همه علوم و فنون جستجو کرد. شاید روزی را در زندگی انسان نتوان تصور کرد که از تحقیق مفهوم و معنای تأکید خالی باشد. جهان خارج از انسان نیز در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم تأکید قرار دارد. طرح نظریات گوناگون و بیان ادله و براهین اثبات کننده آن ها و رد ابرام ها و رسیدن به نتایج متقن در علوم گوناگون، همه و همه گونه های مختلفی از شکل گیری مفهوم تأکید را نشان می دهد.

در اقسام مختلف هنر چون نقاشی با زمینه ی پررنگ و روشن نشان دادن چیزی و گاهی اوقات با کم رنگ جلوه دادن زمینه ای در فضای خاصی از نقاشی و نیز عکاسی، سینما، تئاتر، نمایشنامه، خط، و خطابه با پایین و بالا بردن تن صدا و کشیدن حروف یک کلمه یا بخشی از جمله، تأکید صورت می پذیرد. بنابراین تأکید علاوه بر عنصر تکرار، با عناصر دیگر نیز می تواند ظهور پیدا کند.

۱-۲- تعریف مسئله:

در علوم مربوط به زبان و ادبیات عربی همچون صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، لغت و زبان شناسی تأکید و تحقیق مفهوم آن به گونه های مختلفی طرح شده است ولی آن چه در آغاز به ذهن خواننده ی آشنا به مباحث ادبی زبان عربی خطور می کند تأکید مصطلح در علم نحو یعنی تابعی از توابع پنجگانه «نون تأکید ثقیله و خفیفه»، «إِنَّ وَأَنَّ از حروف مشبهه» و «لام تأکید» است.

نظر ما نسبت به تأکید اعم از تأکید مصطلح در علم نحو است و آن عبارت است از تثبیت و تحکیم و پافشاری بر لفظ، معنا و جمله و حکم، خواه با تکرار آن صورت پذیرد یا به اشکال دیگر خواه از اعراب ماقبل خود پیروی کند یا نکند. بنابراین تأکید یک مبحث اصلی و مستقل ادبی است که شایسته است بدان توجه و عنایت ویژه ای معمول گردد به طوری که می توان آن را به عنوان یک اسلوب ادبی به شمار آورد که مشتمل بر ساختارها و اشکال متعددی در علم نحو، صرف، لغت، بلاغت و زبان شناسی است.

بنابراین با توجه به گستردگی مباحث این موضوع، جا دارد تا موضوع تأکید، شناسایی گونه ها و ساختارهای متعدد آن در علوم پیش گفته به طور مستقل مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا به دریافت دقیق پژوهندگان و دانشجویان در خط سیر مطالعه و پژوهش در قرآن کریم، کتب دینی و ادبی یاری رساند و از آن جا که در ادبیات فارسی به جز قیود تأکیدی و گاه ترجمه مفعول مطلق، معادلی برای اشکال و گونه های مختلف تأکید در زبان عربی وجود ندارد در نتیجه ی این تحقیق می توان زمینه ای برای ساخت معادل هایی در زبان و ادبیات فارسی برای متخصصان آن فراهم آورد. از این رو، موضوع اسلوب تأکید در قرآن که همان اسلوب تأکید در زبان عربی است را برگزیدیم و لکن چون دامنه موضوع بسیار گسترده و وسیع گردید با راهنمایی استاد راهنما زمینه موضوع را تنگ تر کرده و به اسلوب تأکید در (پنج جزء آخر قرآن) تغییر دادیم تا به صورت دقیق تر به این موضوع پرداخته شود.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

برای آن که محور کار در این موضوع که -اسلوب تأکید در انتقال مفهوم و معنا نقش بسزایی دارد- مشخص شود این موضوع را در پنج جزء قرآن با ارائه شواهد موجود و بیان اغراض و فواید تأکید در آیات بیان می کنیم. شواهد موجود در این پنج جزء می تواند بیانگر تاثیر و نقش این اسلوب در سراسر قرآن باشد و ثابت می کند که تأکید بر خلاف گفته عده ای که آن را همان تکرار می دانند، از جنبه های اعجاز قرآن محسوب می شود. این تحقیق علاوه بر دانشجویان الهیات می تواند مورد استفاده ی دانشجویان ادبیات عرب و طلاب و سایر دانش پژوهان ادبی و قرآنی قرار بگیرد.

۱-۴ - اهداف تحقیق

- ۱- بررسی نکات ظریف بلاغی به صورت گسترده تر.
- ۲- شناسایی، استخراج و جمع آوری گونه های تأکیدی.
- ۳- معرفی و ارائه راهکارهای مختلف برای تأکید لفظ، معنا و حکم.
- ۴- شناسایی، استخراج و جمع آوری آیات تأکیدی پنج جزء آخر قرآن کریم.

۱-۵ - فرضیه ها

- ۱- اسلوب تأکید در زبان عربی تنها شامل تأکید مصطلح (لفظی، معنوی) نیست بلکه دامنه ی آن، گاه تا حروف هم کشیده می شود.
- ۲- شدت و ضعف اسالیب تأکیدی قرآن متناسب با نوع مضامین و اهداف آن است.

۱-۶ - پیشینه تحقیق

مایه های این بحث را می توان به طور پراکنده در علم نحو، صرف، لغت و بلاغت ملاحظه کرد. برخی از ساختارهای تأکیدی از جمله سرفصل های مباحث این علوم است و برخی در ضمن مباحث آن ها طرح شده است که در هر دو بخش، برخی شناخته شده و برخی شناخته نشده است.

تا آن جا که اینجانب بررسی نموده ام در این موضوع کتب و مقالاتی به صورت کلی تحت عناوینی چون بررسی مهمترین مضامین و اسالیب تأکید در ادبیات عرب و قرآن کار شده است. برای مثال می توان مقاله (صور بلاغی اسلوب تأکید در قرآن)^۱، و مقاله (اسلوب های تأکید در قرآن)^۲ را نام برد. همچنین در این مورد دو پایان نامه تدوین شده است: ۱- «بررسی و تحلیل اسالیب و مضامین تأکید در قرآن کریم»^۳ ۲- «بررسی انواع تأکید در سوره بقره و جایگاه آن در تفسیر»^۴. کتاب اسالیب التوکید من خلال القرآن الکریم نوشته دکتر احمد مختار البرزیه هم فقط به دو اسلوب تأکیدی پرداخته است. اما تاکنون در جهت بسط و ایضاح آن به طور مستقل تحقیق و پژوهش گسترده و طبقه بندی شده ای صورت نگرفته است. بنابراین به

^۱ - سیدمحمد باقر، حسینی، صور بلاغی اسلوب تأکید در آیات قرآن کریم، مجله زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره پنجم، ۱۳۹۰

^۲ - د.مینا، چیگاره، اسلوب های تأکیدی در قرآن، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۵۲، سال چهاردهم، ۱۳۸۳

^۳ - شعله، ظهیری، پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی و تحلیل اسالیب و مضامین تأکید در قرآن کریم»، استاد راهنما: دکتر علی اکبر محسنی، استاد مشاور: دکتر جهانگیر امیری، دانشگاه رازی، ۱۳۸۵

^۴ - ابوالفضل، جعفری، پایان نامه کارشناسی «بررسی انواع اسلوب تأکید در سوره بقره و جایگاه آن در تفسیر»، استاد راهنما: د. رضا امانی، دانشکده شهید اشرفی اصفهانی، ۱۳۹۰ ه

نظر می رسد استخراج، جمع آوری و طبقه بندی اسلوب های تأکید در پنج جزء (یک ششم) قرآن در نوع خود کار تازه ای باشد. امید است محققان و دانشجویان را در دریافت معانی کلام خداوند متعال و به کار بستن گونه های مختلف تأکیدی بیشتر آشنا کند.

۱-۷- روش تحقیق

این تحقیق بر اساس روش کتابخانه ای انجام شده است. چنان که پس از فیش برداری و مطالعه کتب و منابع مربوط به موضوع اعم از نحو، صرف، بلاغت، لغت و اشتقاق، متن تحقیق به نگارش درآمده است.

۱-۸- تعریف اسلوب

زرقانی در «مناهل العرفان» می گوید: «اسلوب در لغت عرب شامل برخی معانی چون «فن و وجه» و «مذهب یا روشی که گوینده در کلامش برمی گزیند» می شود و در اصطلاح روشی در سخن گفتن و نوشتن است که گوینده در تالیف عبارات و گزینش الفاظ برمی گزیند».^۱

شایان ذکر است که اسلوب ها از نظر نظم و زیبایی و اختلاف در مکان ها دارای اقسام گوناگون است. به این صورت که متکلم در مقام گفتمان برحسب تناسب و حکمت، روش های خاصی را برمی گزیند از این رو هر هدف جزئی می تواند دارای چندین اسلوب متفاوت باشد.^۲

۱-۹- تعریف تأکید

صاحب کتاب «البلاغة العربية» در تعریف معنای لغوی تأکید می گوید: «تأکید از لحاظ لغوی یعنی بستن زین اسب و محکم کردن آن با بندهای چرمی بر پشت چهارپا که این ریسمان ها را (تواکید و تأکید) می نامیدند».^۳

در لغت و استعمال، تأکید و توکید هر دو به کار رفته است. اگرچه لغت شناسان هر دو را به یک معنی ذکر کرده اند ولی برخی از آن ها کاربرد «أكدّ» را در پیمان بستن و کاربرد «وكدّ» را در قول و قسم های زبانی نیکوتر شمرده اند.^۴ گفتنی است که در قرآن کریم واژه توکید برای میثاق به کار رفته است: «...ولا تنقضوا الإیمان بعد توکیدها...»^۵ - و چون سوگند اکید خوردید آن را مشکندید. همچنین در زیارت جامعه

^۱ - محمدبن عبدالعظیم، الزرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب الإسلامیة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۲۵

^۲ - ر.ک: محمد، ابوزهره، معجزه بزرگ، ترجمه محمود ذبیحی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲

^۳ - عبدالرحمن حسن حنبله، الميدانی، البلاغة العربية، دمشق، دارالقلم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۸۵

^۴ - ر.ک: خلیل بن احمد، فراهیدی، العین، قم، موسسه دارالهجرة، ۱۴۰۵، ج ۶، صص ۳۹۵-۳۹۷

^۵ - نحل، ۹۱/۱۶

می خوانیم: «وگدتم میثاقه»^۱ و در زیارت صاحب الزمان (ع) آمده است: «السلام علیک یا میثاق الله الذی أخذہ و وگده». ^۲ در تعریف معنای اصطلاحی تأکید، مراغی در علوم البلاغه می گوید: «تأکید در اصطلاح همان تثبیت و تقویت کلام به منظور برطرف کردن شک و دور نمودن شبهات، و اندیشه ای را برجسته ساختن و یا به جنبه ای از یک تفکر جلوه خاصی بخشیدن است».^۳

۱-۱۰-۱- تأکید در ادبیات عرب

زبان عربی و تعابیر آن سرشار از تأکید است تا جایی که در زبان و فرهنگ عرب، تکرار و تأکید امری رایج و غالب و حتی می توان گفت که در نظر تازیان تکرار و تأکید از عوامل فصاحت و بلاغت کلام است. لذا نمی توان پدیده تأکید را در ادبیات عرب کم اهمیت قلمداد کرد البته این که در زبان عربی نسبت به سایر زبان ها، بسیاری از جملات با گونه های مختلف تأکید بیان می شوند بیش تر به فرهنگ عرب مرتبط است چرا که زبان از جهات بسیاری آینه فرهنگ و شیوه ی اندیشه ی یک قوم است و می توان ادعا کرد یکی از علل وجود تأکید به آن گستردگی در میان اعراب به روحیه ی سخت و متصلب آنان در جاهلیت برمی گردد و به همین دلیل امروز که اندکی از آن روحیه کاسته شده است پاره ای از روش های تأکید مانند «قسم+ل+فعل مضارع+نون تأکید ثقیله» در زبان عربی کمتر به کار می رود.^۴

۱-۱۰-۱- تأکید در علم بلاغت

۱-۱۰-۱- تأکید در علم بیان

علم بیان با مباحث سه گانه (تشبیه، استعاره، کنایه) از عوامل تأکید و تحکیم سخن است زیرا در مباحث این علم از شیوه های غیرمستقیم سخن استفاده می شود و صاحب نظران را عقیده بر آن است که تعابیر غیرمستقیم در جان و روان شنونده تأثیری بیشتر و تأکیدی فراوان تر دارد.^۵

۱-۱۰-۱-۱- تشبیه: «تشبیه در لغت همانند ساختن و مثال آوردن است. در اصطلاح تشبیه قرار دادن همانندی بین دو چیز یا بیشتر از دو چیز است. هر گاه بخواهی صفتی را برای موصوفی اثبات کنی و آن اثبات همراه با توضیح یا نوعی مبالغه باشد، به چیز دیگری که این صفت در آن آشکارا وجود دارد توجه می کنی و

^۱ - شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، تهران، انتشارات به نشر، چاپ چهارم، ۱۳۷۱ه، ص ۱۰۸۸

^۲ - همان، ص ۱۰۴۲

^۳ - احمد المصطفی، المراغی، علوم البلاغه (البیان والمعانی و البدیع)، دارالقلم، بیروت، بی تا، ص ۳۳۴

^۴ - ر.ک: شعله، ظهیری، ص ۳۳

^۵ - ر.ک: عبدالرحمن حسن الحنیکه، الميدانی، همان، ج ۲، ص ۱۶۷

این همانندی را وسیله ای برای توضیح صفت یا مبالغه در اثبات آن صفت قرار می دهد. بنابراین تشبیه نخستین شیوه ای است که طبیعت انسان برای بیان معنا بر آن رهنمون می شود.^۱

از طرف دیگر ابن اثیر به صراحت بیان می دارد: «گاهی در تشبیه تأکید هم نهفته است مثلاً در جمله «ولما سکت عن موسی الغضب» مراد از «سکت»، «ذهب» است ولی «سکت» موکدتر از «ذهب» است.^۲

۱-۱۰-۱-۱-۲- استعاره: در استعاره نیز گفته شده است هدف از استعاره همانند تشبیه بیان مخیل مشبه است یعنی مصور و مجسم کردن آن در ذهن که همیشه با نوعی اغراق همراه است منتهی به سبب تناسی تشبیه و حقیقت ادعایی، اغراق در استعاره نسبت به تشبیه بسیار فراتر است زیرا ذکر مشبه و مشبه به در تشبیه نشانه تباین آن دو، ولی در استعاره حذف یکی از طرفین نشانه اتحاد آن هاست و گویا در اثبات مساوی بودن آن دو تأکید و تحکیم شده است. مانند: «رأیت أسداً یرمی»- خود شیر را دیدم که تیراندازی می کرد.^۳

۱-۱۰-۱-۱-۳- کنایه: صاحب کتاب «کرانه ها» می گوید: «اهل بلاغت همگی متفق اند بر این که کنایه و مجاز رساتر از حقیقت و تصریح است».^۴

و این که می گوئیم مبالغه مجاز و کنایه بیشتر است به این معنا نیست که مجاز و کنایه دارای معنایی است که حقیقت و تصریح ندارد بلکه مراد این است که مجاز و کنایه بر تأکید اثبات می افزاید.^۵ و همین مقصود عبدالقاهر جرجانی بوده که گفته برتری رایت اسداً که استعاره است بر رایت رجلاً هو و الاسد سواء فی الشُّجاعه که حقیقت است این نیست که رایت اسداً مساوات بیشتری برای آن مرد نسبت به اسد می فهماند ولی جمله دوم که حقیقت است این مساوات را نمی فهماند. بلکه برتری جمله نخست در این است که اثبات آن مساوات را تأکید می کند ولی جمله دوم که حقیقت است از آن تأکید تهی است.^۶

۱-۱۰-۲- تأکید در علم بدیع

مراغی در «علوم البلاغه» آورده است: «بحث تأکید علاوه بر معانی و بیان در علم بدیع به طور مستقل تحت عنوان «تأکید المدح بما یشبه الذم و تأکید الذم بما یشبه المدح» مطرح است که با ادات استثناء و لای نفی جنس، نوعی از تأکید را به وجود می آورد».^۷

^۱ - احمد، الهاشمی، جواهر البلاغه فی المعانی والبیان و البدیع، ترجمه حسن عرفان، قم، منشورات اسماعیلیان ۱۳۸۶ ه، ج ۲، ص ۱۲
^۲ - ابوالفتح ضیاء الدین نصرالله، ابن الأثیر، المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، مکتبه المصریه، بیروت، ۱۹۹۰ م، ج ۴، ص ۱۹۷

^۳ - ر.ک: محمد خلیل، رجائی، معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ سوم، ۱۳۷۲، صص ۲۳۳-۲۳۴

^۴ - حسن، عرفان، کرانه ها (شرح فارسی مختصر المعانی)، قم، انتشارات هجرت، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۳۲

^۵ - همان، ص ۴۳۳

^۶ - همان

^۷ - احمد مصطفی، المرآغی، همان، بی تا، ص ۲۲۴

۱-۱۰-۲-۱- تأکید مدح شبیه به ذم

صاحب کتاب «جواهرالبلاغه» می گوید: «تأکید مدح به آن چه شبیه نکوهش است یعنی این که از صفت نکوهیده ای که از چیزی نفی شده است، صفت مدحی استثناء می شود بنا بر فرض این که صفت مدح در آن صفت ذم داخل است. مانند این شعر نابغه ذبیانی: و لا عیب فیهم غیر أن سیوفهم بهنّ فلولاً من قراع الکتاب. ترجمه: عیبی در آنان نیست مگر این که شمشیرهایشان از درگیری و برخورد سپاهیان شکستگی دارد.»^۱ زرکشی در بیان آیه «لا یسمعون فیها لغواً ولا تأثیماً- إلاً قیلاً سلاماً سلاماً»- در آنجا نه سخن لغو شنوند و نه گناه آلود. جز یک سخن: سلام، سلام؛ می گوید: «پیش از حرف «إلاً» انسان در می یابد که آن ها هیچ لغو و تأثیمی را نمی شنوند و وقتی «إلاً» ذکر می شود چنین تصویری پدید می آید که به دنبال «إلاً» صفت ذم ذکر شود زیرا «إلاً» برای استثنای عدم استماع لغو و تأثیم ذکر شده است، ولی صفت مذموم نفی شده است از این رو با «سلاما سلاما» معنای پیش از «إلاً» که آنان اساساً جز گفتار نیک و پسندیده چیزی نمی شنوند تأکید شده است.»^۳

۱-۱۰-۲-۲- تأکید ذم شبیه به مدح

نویسنده «جواهرالبلاغه» تأکید ذم شبیه به مدح را چنین بیان می کند: «از صفت مدحی که از چیزی نفی شده است صفت ذمی استثناء گردد با این فرض که آن صفت داخل در صفت مدح بوده است. مانند سخن او: خلا من الفضل غیر ائی أراه فی الحمق لا یجاری. ترجمه: از فضیلت تهی است غیر از این که من او را در حماقت بی مانند می بینم. زرکشی هم در تفسیر آیه: «لَیسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِیعٍ»^۴ - طعامی جز خار ندارند؛ می گوید: «معنای پیش از «إلاً» به صورت ذم بیانگر این نکته است که آن ها طعامی ندارند آن گاه پس از آوردن «إلاً» چنین به نظر می رسد که طعامی دارند لذا ذهن انسان مشتاق شنیدن و شناخت ادامه سخن می گردد. سپس با بیان «من ضریع» معلوم می شود که این طعام به گونه ای است که نمی توان آن را خورد از این رو معنای پیش از «إلاً» در ذهن مستقر، تثبیت و تأکید می شود.»^۵

۱-۱۰-۳- تأکید در علم معانی

صاحب «جواهرالبلاغه» می گوید: «موضوع علم بلاغت بررسی مطابقت کلام با مقتضای حال می باشد و چون هدف سخن، رسایی و روشن سازی است لذا سزاوار و بایسته است که سخن به اندازه نیاز باشد نه افزون

^۱ - احمد، الهاشمی، همان (ترجمه حسن عرفان)، ج ۲، ص ۲۹۰

^۲ - واقعه، ۲۵/۲۶

^۳ - بدرالدین، زرکشی، همان، ج ۳، ص ۵۱

^۴ - غاشیه، ۶/۸۸

^۵ - بدرالدین، زرکشی، همان، ص ۵۱

بر آن که بیهوده و لغو است و نه کمتر از نیاز که به هدف آسیب برساند.^۱ از طرف دیگر می توان در موضوعات مختلف یک معنا را به صورت های مختلف با وضوح و روشنی بیشتر یا کمتر ادا کرد بنابراین باید در نظر داشت که سخن به یک صورت بیان نمی شود و سخنور لازم است بنابر مقتضای حال مخاطب، سخن خود را ایراد نماید. حال خطاب (مقتضی حال) چیزی است که واقعیت، ما را به سوی آن می خواند یعنی شکل ویژه ای از سخن که لازمه کلام و حالات مخاطب است. و کلام، مطابق با حال نمی شود مگر هنگامی که متناسب با خرد مخاطبان و پایگاه آنان در بلاغت و توانشان در بیان و گفتار باشد. از این رو مراتب بلاغت، به اندازه دگرگونی اعتبارات و مقتضیات تفاوت می پذیرد و به مقدار رعایت آن ها موقعیت کلام در زیبایی بالا می رود.^۲

شایان توجه است که اقتضای کلام از بنیادی ترین مباحث علم معانی است اما مطابقت کلام با مقتضای حال علاوه بر معانی، در بیان و بدیع هم موجود است. با این توضیح که ما وقتی از استعاره و کنایه استفاده می کنیم که مقام آن را اقتضا کند به این صورت که تعابیر مختلف را با هم مقایسه کرده و آن را که با حال شنونده سازگارتر است یافته و بیان می کنیم. هر کدام از حالت های مخاطب را مقتضای تعبیرهای متفاوتی در وضوح و روشنی است و می توان ادعا کرد مراد از مقتضای حال در علم معانی، اختلاف مراتب کلام به تأکید است.

۱-۱۱- اسباب واغراض تأکید

سوال اساسی در این زمینه آن است که اساساً ساختارها و اسلوب های تأکیدی در کلام به چه منظور به کار می روند:

۱- گاهی تأکید برای تقریر و تثبیت معنا در ذهن مخاطب است اگرچه هیچ گونه انکار و شکی در میان نباشد، مانند «إنا نحن نزلنا عليك القرآن تنزیلاً»^۳ - ما قرآن را بر تو نازل کردیم، نازل کردنی نیکو. زمخشری در توضیح این آیه می گوید: «پس از آن که اسناد با «إِنَّ» تأکید شده دو عنصر تأکیدی دیگر ضمیر «نحن» و «تنزیلاً» ذکر شده تا تنزیل قرآن از ناحیه ی خداوند در جان حضرت رسول مستقر و ثابت گردد اگرچه هیچ گونه شک و انکاری در دل ایشان درباره ی آن پیدا نکرده است».^۴

^۱ - سید احمد، الهاشمی، همان، ص ۵۸

^۲ - ر.ک: همان، ص ۵۹

^۳ - انسان، ۲۳/۷۶

^۴ - ابوالقاسم جارالله محمودبن عمر، الزمخشری، الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، مصر، مطبعة المصطفی البابی الحلبی، ۱۳۶۷، ۱۹۴۸، ج ۴، ص ۵۳۹

زرکشی در «البرهان» اهدافی برای تأکید ذکر کرده است که عبارتند از:

۱- تحقیق

۲- توجه شنونده به این خبر

۳- ترغیب

۴- اعلام به این که آنچه در مورد آن خبر داده شده است، کل یا جزئش منظور متکلم است.

۵- تعریض به امر دیگر مانند کلام خداوند متعال: «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ...»^۱ - «چون فرزند خویش بزاد، گفت: ای پروردگار من، این که زاییده‌ام دختر است». این تعریضی است به سوال قبلش که برای نذر نیاز به مذکر است.^۲

تفتازانی در «المطول» می‌گوید: «برای رد انکار مخاطب است که با توجه به نسبت انکار او ادوات تأکید تغییر می‌کند». مانند «قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ»^۳ - «گفتند: پروردگار ما می‌داند که ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم».^۴

۱-۱۲- تاکید و ارتباط آن با اعجاز قرآن کریم

ابن منظور در «لسان العرب» می‌گوید: «معجزه از «عجز» به معنای ضعف و ناتوانی است».^۵ و در اصطلاح امر خرق عادت است که برای اثبات نبوت آورده می‌شود، به طوری که موافق ادعا باشد و شخص دیگری نتواند آن را انجام دهد، بلکه همه در آوردن آن عاجز باشند. بزرگان ادب و بلاغت، گزینش و چینش الفاظ قرآن را در حد اعجاز ستوده اند. به عنوان نمونه مصطفی صادق رافعی در کتاب اعجاز قرآن تصریح می‌کند «اعجاز قرآن از راه نظم و کیفیت وضع آن است یعنی سبک قرآن در عبارات و جملات آن معجزه است به حدی که هیچ جمله‌ای یا عبارتی نمی‌تواند با عبارت دیگر جایگزین شود و اگر چنین شود، نظم آن به هم می‌ریزد و مطالب آن نارسا می‌شود، و همین سبک در جملات و عبارات است که باعث نظم آهنگ و رسائی مطالب و تاثیر در روح و جان می‌شود».^۶

^۱ - آل عمران، ۳۶/۲

^۲ - محمدبن عبدالله، زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، مکتبه العصریه، ج ۱، صص ۳۸۹-۳۹۰

^۳ - یس، ۱۶/۳۶

^۴ - سعدالدین، تفتازانی، المطول علی التلخیص، بی‌جا، مطبعه احمد کامل، ۱۳۳۰هـ، ص ۵۳

^۵ - ابن منظور الافریقی المصری، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ق، باب العین

^۶ - ر.ک: سید ابوالفضل، میرمحمدی زرنندی، تاریخ و علوم قرآن، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۹، ص ۱۸۸

^۷ - محمد مصطفی صادق، رافعی، اعجاز قرآن و بلاغت محمد، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، چاپ دوم، ۱۳۶۱، ص ۱۷۷